



فصل چهارم

بیداری اسلامی و جهان جدید



در فصل اول از چهار مرحله تاریخی گسترش عقاید و ارزش‌های جهان شمول اسلام سخن گفته شد. اسلام در دو مرحله نخست، در مواجهه با فرهنگ جاهلی و استبداد قومی و قبیله‌ای برآمده از آن، فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی را بنا کرد. جهان اسلام در مواجهه با جهان متجدد، مرحله استعمار را از سر می‌گذراند و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران از تنگنای استبداد استعماری عبور می‌کند و بیداری اسلامی را از سر می‌گیرد. جهان اسلام در عصر بیداری اسلامی به عنوان یک قطب فرهنگی و تمدنی ظاهر می‌شود، عبور از چالش‌های جهان امروز را به بشریت نوید می‌دهد و با مخاطب قرار دادن فطرت الهی تمامی انسان‌ها، مقدمات شکل‌گیری جهانی توحیدی را فراهم می‌آورد.

● اهداف فصل چهارم

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت یاددهی یادگیری این فصل، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. بتواند درباره‌ی نخستین جریان‌های اجتماعی در جهان اسلام که در مواجهه با جهان غرب پدید آمدند، با دیگران بحث و گفت‌وگو نماید، شباهت‌ها و تفاوت‌های این جریان‌ها را تشریح کند و رویکردهای متفاوت این جریان‌ها به غرب را بررسی کند.

۲. با مقایسه‌ی انقلاب اسلامی ایران با جنبش‌های اجتماعی پیش از آن در ایران و هم‌زمان با آن در سایر نقاط دنیا، به جایگاه و رسالت انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و جهان معاصر پی ببرد و انقلاب اسلامی ایران را نقطه عطف بیداری اسلامی بداند.

۳. انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران را از این منظر که یکی سرآغاز شکل‌گیری جهان دنیوی و دیگری سرآغاز شکل‌گیری جهان توحیدی است، مقایسه کند، برای تحقق این آرمان بلند انقلاب اسلامی تلاش نماید و دیدگاهی را که آرمان‌ها و ارزش‌های بلند انقلاب اسلامی را ذیل ارزش‌های دنیوی انقلاب فرانسه تعریف می‌کند، قبول نکند.

۴. بیداری اسلامی را راه‌حل بحران‌های جهانی بداند؛ نسبت به سرنوشت بیداری اسلامی احساس مسئولیت کند؛ به شیوه‌های غرب برای مقابله با آن پی ببرد؛ فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش‌روی بیداری اسلامی را بشناسد و برای استفاده مطلوب از فرصت‌ها و عبور از محدودیت‌ها چاره‌اندیشی کند.

اگر بتوانیم نسخه دومی از
کشورهای غربی شویم، به
رستگاری رسیده ایم؟ بر فرض
حال، اگر شدیم مانند سوئیس،
سوئد، فرانسه یا آمریکا، آیا تازه دچار
مشکلاتی نخواهیم شد که در غرب
مدرکست به آن رسیده اند؟
با این مشکلات مجدداً چه
خواهیم کرد؟

محمد صالح المنجد

ای نسخه خلیفه پوزر کس نکران خیز کلناژ ما رفت به تاراج، غان خیز
از ناله مرغ سحر از بانگ اوان خیز از گرمی بنگامه آتش نفسان خیز
از خواب کران، خواب کران، خواب کران خیز
از خواب کران خیز



امروز دنیا در زیر بار سنگین تحمیلات ناشی از تمدن مادی به سئوه آمده
است و دنبال راه نجاتی می‌گردد.



درس سیزدهم سر آغاز بیداری اسلامی

آغاز شکل‌گیری هر پدیده اجتماعی اغلب هیجان‌انگیزترین لحظه آن است. لحظه‌ای سرشار از بیم، امید، شگفتی، تنش و دلهره. سرآغاز پدیده اجتماعی، شفاف‌ترین و بی‌پرده‌ترین لحظه آن نیز به شمار می‌رود و به همین دلیل اطلاعات قابل توجهی را از آن پدیده در اختیار ما می‌گذارد. سرآغاز، گویی بذر و نطفه‌ای است که سرگذشت و سرنوشت پدیده را به‌طور خلاصه در خود دارد.

برای پی بردن به اهمیت آغازها به اولین روز آشنایی خود با افرادی که امروز از بودن با آنها بسیار احساس راحتی یا ناراحتی می‌کنید، ببندیشید.

بیداری اسلامی نیز سرآغازی دارد.

جهان غرب ابتدا با سطحی‌ترین و ظاهری‌ترین لایه‌های هویتی خود با سایر جهان‌های اجتماعی از جمله جهان اسلام مواجه شد و بیش از هر چیز، وجوه نظامی، سیاسی، اقتصادی، فناورانه و ... خود را به رخ کشید اما لایه‌های عمیق و عمیق‌تر آن از چشم اعضای سایر جهان‌ها مخفی ماند. این امر بر چگونگی مواجهه جهان‌های اجتماعی دیگر و اعضای آنها با جهان غرب تأثیر فراوانی گذاشت.

از ابتدای رویارویی جهان اسلام با غرب متجدد، جریان‌های فکری و اجتماعی متفاوتی در جهان اسلام شکل گرفت. جریان‌هایی که برداشتشان از دافع‌ها و جاذبه‌ها، دشمنان و دوستان، دردها و درمان‌های پیش‌رو، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت. نخستین جریان‌های اجتماعی که در این مواجهه شکل گرفتند، کدام‌اند؟ شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها چه بود؟

نخستین بیدارگران اسلامی

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

خاور همه مانند غبار سر راهی است یک نالهٔ خاموش و اثر باخته آهی است
هر ذره این خاک گره خورده‌نگاهی است از هند و سمرقند و عراق و همدان خیز

از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

فریاد ز افرنگ و دلاویزی افرنگ فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز

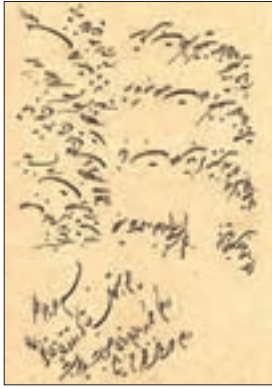
از خواب‌گران، خواب‌گران، خواب‌گران خیز
از خواب‌گران خیز

اولین بیدارگران در جهان اسلام چه کسانی بودند، چه ویژگی‌هایی داشتند و چقدر با فرهنگ غرب آشنا بودند؟

نخستین رویارویی‌های غرب متجدد با جهان اسلام هنگامی رخ داد که قدرت‌های سیاسی جهان اسلام، علی‌رغم رعایت ظواهر اسلامی، استبدادهای قومی و قبیله‌ای بودند و عالمان دینی، اغلب براساس ضرورت حفظ امنیت با آنها تعامل می‌کردند.

«فقاہت» و «عدالت» دو عنصر برتر در فرهنگ اسلامی، اغلب در حاشیة مناسبات قدرت‌های قومی، مهجور باقی مانده بودند. دولت‌های کشورهای مسلمان نیز به میزان دوری از سنن دینی و اسلامی، آسیب‌پذیری بیشتری در برابر کشورهای غربی پیدا می‌کردند.

قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و جاذبه‌های دنیوی کشورهای غربی، دولتمردان و رجال سیاسی جوامع اسلامی را مرعوب و شیفتهٔ فرهنگ غرب می‌ساخت و این مسئله، عزت و استقلال کشورهای اسلامی را تضعیف می‌کرد.



■ نشریه‌ای دربارهٔ خودباوری مسلمین و مبارزه با استعمار که سیدجمال‌الدین اسدآبادی با همکاری محمد عبده در پاریس منتشر و در ده‌ها کشور آسیایی و افریقایی توزیع می‌کرد.

نخستین بیدارگران اسلامی کسانی بودند که به خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند، توجه کردند و حرکت‌ها و جنبش‌هایی را در مقابله با غرب به وجود آوردند.

حضور فعال عالمان دینی در مقابله با روسیه تزاری و تدوین رساله‌های جهادیه، حرکت اصلاحی امیرکبیر و حکم میرزای شیرازی در تحریم تنباکو، نمونه‌هایی از حرکت‌های نخستین بیدارگران اسلامی در ایران و اقدامات سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه‌هایی از این حرکت‌ها در جهان اسلام است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نخستین بیدارگران اسلامی آن است که:

● به خطر کشورهای غربی برای جوامع اسلامی توجه داشتند و خواستار استقلال اقتصادی و سیاسی جوامع اسلامی بودند.

● به دنبال اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.

● بیداری را بازگشت به اسلام و عمل به آن می‌دانستند.

● بسیاری از آنان وحدت امت اسلامی یا تشکیل قدرت واحد اسلامی و عزت جهان اسلام را دنبال می‌کردند و قومیت‌های مختلف را درون امت واحد اسلامی به رسمیت می‌شناختند.

بیدارگران نخستین، به رغم رویکرد اعتراض‌آمیز به غرب، آشنایی عمیق با فرهنگ غرب و ابعاد دنیوی آن نداشتند. آنها خطر غرب را بیشتر در سلطه‌گری و قدرت سیاسی و اقتصادی آن می‌دیدند. برخی از آنان، دوری مسلمانان از عمل به سنت‌های اسلامی را عامل ضعف جوامع اسلامی می‌دانستند و گمان می‌کردند قدرت جوامع غربی به این دلیل است که عملکرد آنها اغلب همان است که مورد توجه اسلام نیز می‌باشد.

محمد عبده شاگرد سید جمال‌الدین اسدآبادی در مصر است و این سخن منسوب به اوست: در شرق مسلمانان را دیدم و اسلام را ندیدم و در غرب اسلام را دیدم و مسلمانان را ندیدم. این سخن را تحلیل کنید و نظر خود را درباره آن بیان نمایید.

منورالفکران و روشنفکران غرب‌گرا

با شکل‌گیری استعمار و نفوذ دولت‌های غربی در کشورهای اسلامی، جریان اجتماعی دیگری، موازی نخستین بیدارگران اسلامی شکل گرفت. نسل اول این جریان به «منورالفکران» و نسل دوم آن به «روشنفکران» شهرت یافتند. این جریان با بیدارگران اسلامی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت؟ تشابه و تفاوت نسل اول و دوم این جریان اجتماعی چه بود؟

به موازات نخستین بیدارگران اسلامی، گروه دیگری در جوامع اسلامی پیدا شدند که شیفته غرب بودند. این گروه — که بیشتر در لژهای فراماسونری سازمان می‌یافتند — نیز خود را بیدارگر می‌دانستند اما برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را در گذر از فرهنگ اسلامی و پیوستن به فرهنگ غربی معنا می‌کردند. آنان در ایران، اومانیسیم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه کردند و به همین دلیل خود را منورالفکر خواندند. لژ آدمیت و لژ بیداری ایرانیان از نخستین لژهایی بود که منورالفکران در ایران تأسیس کردند. منورالفکران غرب‌گرا ویژگی‌هایی داشتند:

- نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را فرصت می‌دانستند.
- مانند بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی بودند.
- برخلاف بیدارگران اسلامی، بیداری را بازگشت به اسلام نمی‌دانستند؛ بلکه راه نجات را در تقلید از رفتار فرنگیان می‌دیدند.
- مفهوم امت و ملت اسلامی برای آنها بی‌معنا یا منفور بود و در مقابل، به ناسیونالیسم که اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد بود، روی آورده بودند.
- منورالفکران غرب‌گرا مورد حمایت دولت‌های استعمارگر غربی بودند و این دولت‌ها به کمک آنان توانستند از موفقیت حرکت‌ها و جنبش‌هایی که توسط بیدارگران اسلامی در حال شکل‌گیری بود، جلوگیری کنند.

منورالفکران غرب‌گرا که در قدم‌های نخست از ضرورت اصلاحات در دولت‌های کشورهای اسلامی خود سخن می‌گفتند؛ در نهایت با حمایت کشورهای غربی، حکومت‌های سکولار را در جوامع خود تشکیل دادند.



■ اقدامات غرب‌گرایانه و ناسیونالیستی آتاتورک؛ کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

قدرت حاکمان سکولار در کشورهای مسلمان، ریشه در اعتقادات و پیشینه تاریخی این کشورها نداشت. قدرت آنها وابسته به قدرت جهانی استعمار بود. آنان با اتکا به این قدرت، اقدام به از بین بردن مظاهر دینی و اسلامی، حذف ساختارهای اجتماعی پیشین و ایجاد ساختارهای اجتماعی جدید می‌کردند.



■ دیدار رضاخان و امان... خان، با آتاتورک و تأثیرپذیری آنها از نوسازی به شیوه غربی آتاتورک

آتاتورک در ترکیه، رضاخان در ایران و امان‌الله‌خان در افغانستان، سه نمونه از قدرت‌های سکولاری‌اند که آرمان‌های منورالفکران غرب زده را با حمایت دولت‌های غربی دنبال می‌کردند.



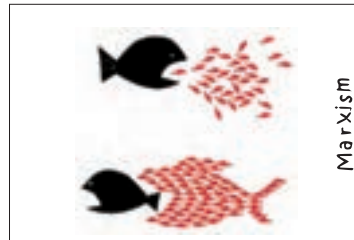
■ علی منصور، محمدعلی فروغی، مصطفی قلی بیات، علی اکبر داوود و محمود جم و دیگرانی همچون تیمور تاش، سردار اسعد بختیاری و ... در کابینه های رضاخان حضور داشتند.

دربارهٔ فعالیت های اسلام ستیزانهٔ رضاخان و چهره های منورالفکری که در کابینه های او حضور داشتند، گفت و گو کنید.

رهاورد حکومت منورالفکران غرب گرا در کشورهای اسلامی، استبداد استعماری است. استبداد استعماری به دلیل وابستگی به کشورهای استعمارگر و عمل مطابق منافع این کشورها، استقلال سیاسی و اقتصادی جوامع اسلامی را مخدوش می سازد و مقاومت های مردمی برای حفظ هویت اسلامی خود را نیز سرکوب می کند.

در هم ریختن نظم پیشین به بهانهٔ رسیدن به جایگاه کشورهای غربی انجام می شود؛ اما در عمل، این کشورها به جای رسیدن و نزدیک شدن به کشورهای غربی، همچنان خصوصیات کشورهای پیرامونی و استعمارزده را دارند. این مسئله اعتراض برخی از نخبگان این کشورها را که به غرب چشم دوخته اند، به دنبال می آورد.

شکل گیری جریان های چپ در کشورهای اروپایی نیز به نوبهٔ خود، بر ذهن و اندیشهٔ غرب گرایان کشورهای اسلامی تأثیر می گذارد و بدین ترتیب، نسل دومی از غرب گرایان در این کشورها پدید می آید که با اعتراض به حرکت های سیاسی نسل اول می نگرد. این نسل با عنوان روشنفکران چپ کشورهای اسلامی شناخته می شوند. اعتراض روشنفکران چپ به روشنفکران نسل اول، به دلیل گریز آنان از بنیان های فکری اسلامی یا اسلام ستیزی آنان نیست، بلکه از نوع اعتراضاتی است که طی قرن بیستم در کشورهای غربی نسبت به عملکرد اقتصادی نظام های لیبرالیستی و سرمایه داری شکل گرفت.



روشنفکران چپ، حرکت‌های خود را در چارچوب اندیشه‌های ناسیونالیستی، سوسیالیستی و مارکسیستی سازمان می‌دادند. برخی از آنان، حرکت‌های اجتماعی‌شان را آشکارا به صورت مکاتب غیرتوحیدی مطرح می‌کردند و برخی دیگر از روبرویی مستقیم با باورهای دینی مردم خودداری می‌کردند؛ حتی گاهی اندیشه‌های خود را در پوشش دینی بیان می‌داشتند. به این ترتیب، نوعی روشنفکری التقاطی^۱ چپ در کشورهای اسلامی پدید آمد. حرکت‌های اعتراض آمیز روشنفکران چپ کشورهای مسلمان، اغلب مورد حمایت‌های بلوک شرق قرار می‌گرفت. تا هنگام فروپاشی بلوک شرق، روشنفکران چپ در کشورهای اسلامی جاذبه داشتند و جریان چپ حتی در کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب قرار داشتند به عنوان یک جریان اجتماعی تأثیرگذار حضور داشت. با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن جاذبه‌های روشنفکری چپ در سطح جهانی، این جریان در کشورهای اسلامی نیز جاذبه خود را از دست داد و غرب‌گرایان این جوامع، دیگر بار به اندیشه‌های لیبرالیستی غربی روی آوردند.

مطالعه کنید

درباره سرانجام جریان‌های ناسیونالیستی و مارکسیستی در ایران مطالعه کنید.

۱- از ویژگی‌های اساسی اندیشه صحیح آن است که اجزای آن دارای انسجام‌اند. از این‌رو به دیدگاهی که در آن تضاد و تناقض وجود دارد، به دیده شک و تردید نگریسته می‌شود. اندیشه التقاطی در همین ویژگی دچار نقص است. چرا که معمولاً آمیزه‌ای از باورها و ارزش‌هایی است که از مکاتب و جهان‌بینی‌های مختلف گردآوری می‌شوند و به‌صورتی ناسازگار در کنار هم چیده می‌شوند. برخی جریان‌ها، عقاید اسلامی را با سوسیالیسم، مارکسیسم، لیبرالیسم و ... بدون توجه به مبانی آنها و به‌صورتی ناسازگار درهم ادغام می‌کنند. معمولاً افراد و جریان‌های اجتماعی که به اعماق یک مکتب و فرهنگ اصیل دسترسی ندارند، در دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی و اجتماعی به تفکر التقاطی پناه می‌برند.

ز شرقی ز غربی جمهوری اسلامی

درس چهاردهم انقلاب اسلامی ایران؛ نقطه عطف بیداری اسلامی

«شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند متان بر این ملت مظلوم غارت زده، عنایت شده است.»

(وصیت‌نامه الهی سیاسی امام خمینی علیه السلام)

انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌هایی متمایز از دیگر جنبش‌های اجتماعی داشت و با همه جنبش‌های اجتماعی که پیش از آن در ایران رخ داده بود یا هم‌عصر با آن در سایر نقاط دنیا وجود داشت، متفاوت بود. آیا می‌دانید این ویژگی‌ها کدام‌اند؟



■ انقلاب اسلامی ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود و تمامی انسان‌ها را مخاطب خود قرار می‌داد.

انقلاب مشروطه

نخستین بیدارگران اسلامی در جهان اسلام، حرکت‌ها و جنبش‌هایی ایجاد کردند. جنبش عدالتخانه و تنباکو دو نمونه از این جنبش‌ها در ایران هستند. درباره این دو جنبش چه می‌دانید؟ چرا جنبش‌های اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی در ایران متوقف شد؟

نخستین بیدارگران اسلامی در ایران، جنبش‌هایی را برای اصلاح رفتار حاکمان و ساختار حکومت^۱ قاجار به وجود می‌آوردند. قاجار با شمشیر ایل قاجار به قدرت رسیده بود و تعامل عالمان شیعی با آنها بر مدار مقاومت منفی بود.

در مقاومت منفی، حاکمیت پادشاه، ظالمانه و غیرمشروع دانسته می‌شود و همکاری سیاسی با آن، جز در حدّ واجبات نظامیه انجام نمی‌شود. منظور از واجبات نظامیه اموری است که برای بقای اصل زندگی اجتماعی لازم است؛ مانند حفظ امنیت یا مقابله با دشمنان خارجی. هنگامی که دولتمردان قاجار - به دلیل اثرپذیری از دولت‌های استعماری - به جای مقاومت در برابر بیگانگان به قراردادهای استعماری روی آوردند، مقاومت منفی به سوی فعالیت رقابت‌آمیز تغییر کرد. منظور از فعالیت رقابت‌آمیز، ورود فعال به عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی، نه در جهت تأیید قدرت حاکم و حمایت از آن، بلکه در رقابت با آن است.



■ نمایندگان دوره‌های نخست مجلس شورای ملی



■ حضور فعال مردم در جنبش تنباکو به تبعیت از علما

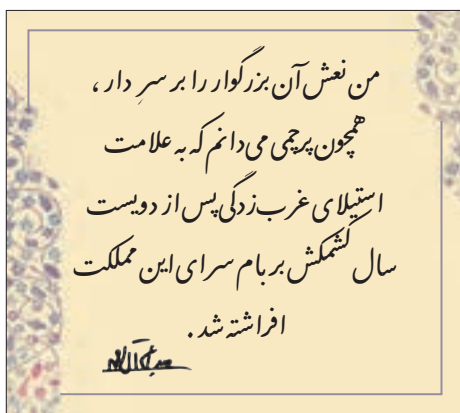
۱- برای پی بردن به تفاوت رفتار حاکمان و ساختار حکومت، یک گروه اجتماعی مانند تیم فوتبال را در نظر بگیرید. در هر گروه اجتماعی، افراد، نقش‌ها و روابط میان نقش‌ها وجود دارند. به روابط میان نقش‌ها یا روابط میان مجموعه‌های نقشی ساختار می‌گویند. افراد، نقش‌ها را اجرا یا به تعبیری بازی می‌کنند. یک نقش را افراد مختلف می‌توانند به شیوه‌های متفاوت اجرا کنند. برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌تر، برخی با پایبندی بیشتری به حقوق و تکالیف نقش و برخی با پایبندی کمتر. در تیم فوتبال اگر بازیکنی نقشی را به خوبی انجام ندهد، می‌توان از او خواست تا نقشش را بهتر انجام دهد و اگر نتوانست، می‌توان او را تعویض کرد اما برای مثال نمی‌توان از یک بازیکن فوتبال انتظار داشت که نقش یک بازیگر تئاتر را ایفا کند. اگر چنین انتظاری وجود داشته باشد، باید در ساختار بازی فوتبال تغییر ایجاد کرد.

حرکت رقابت‌آمیز عالمان دینی با قاجار، حرکت اصلاحی بود. آنها تلاش می‌کردند تا برخی رفتارهای پادشاهان قاجار را اصلاح نمایند. جنبش تنباکو نمونه‌ای موفق از فعالیت رقابت‌آمیز اصلاحی است. این تجربه موفق، فعالیت رقابت‌آمیز را از اصلاح رفتار به سوی اصلاح ساختار برد و به جنبش عدالتخانه منجر شد.

هدف جنبش عدالتخانه تنها اصلاح کار یا رفتار خاصی از پادشاه نبود؛ بلکه اصلاح شیوه زمامداری شاه بود. این جنبش - با توجه به شرایط داخلی و خارجی - در پی تأسیس مجلسی بود که قوانین عادلانه الهی را تدوین کند و شاه را ملزم سازد تا در چارچوب این قوانین عمل کند.

این حرکت، حاکمیت را از مدار استبداد به مدار عدالت منتقل می‌ساخت. البته در فقه اجتماعی و سیاسی تشیع، این نوع حاکمیت نیز آرمانی نبود بلکه فساد آن از استبداد کمتر بود و ظلم را کنترل می‌کرد. به همین دلیل تنها در شرایطی که تحقق حاکمیت آرمانی و مشروع، امکان نداشت، پذیرش آن ممکن بود.

جنبش عدالتخانه از آن جهت که ساختار سیاسی جامعه را تغییر می‌داد، یک انقلاب اجتماعی بود. با اوج‌گیری جنبش عدالتخانه، منورالفکران غرب‌زده به آن پیوستند و در جریان بست‌نشینی در سفارتخانه انگلستان، نام مشروطه را برای آن برگزیدند. عالمان مسلمان نیز ضمن استقبال از همراهی منورالفکران، این نام را پذیرفتند اما معنای مشروطه در نظر عالمان دینی با منورالفکران تفاوت داشت. منظور عالمان مسلمان از مشروطه، مشروط کردن حاکمیت به احکام عادلانه الهی بود اما منظور منورالفکران از مشروطه نوعی حاکمیت سکولار مانند دولت انگلستان بود.



مجلس از نظر منورالفکران مشروطه‌خواه، محلی نبود که در آن، قوانین بر مدار احکام شریعت تدوین شود بلکه محلی بود که در آن، قوانین بر اساس اراده و خواست بشر تنظیم می‌شد. در جریان انقلاب مشروطه، نزاع و رقابتی سخت بین بیدارگران اسلامی و منورالفکران غرب‌گرا

به وجود آمد که پس از دو دهه کشمکش، با حضور قدرت‌های استعماری و دخالت انگلستان، به نفع جریان منورالفکران پایان یافت. حاکمیت منورالفکران در ایران به استبداد استعماری رضاخان ختم شد.

بخوانیم و بدانیم

قدرت و قدرت اجتماعی

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با علم و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی، هنگامی پدید می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند.

مقبولیت و مشروعیت

قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیرگذاران بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است: تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید دارای مقبولیت است و قدرتی که بر اساس شریعت و موافق حکم خداوند است دارای مشروعیت می‌باشد. مدار مقبولیت خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود و مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت. هنگامی که قدرت بر خلاف قانون الهی باشد اما تبعیت از آن با رضایت باشد، قدرت مقبول ولی غیرمشروع است. در یک جامعه دینی قدرت نامشروع نمی‌تواند مقبولیت لازم را به دست آورد.

سیاست و نظام سیاسی

هرگاه قدرت اجتماعی برای رسیدن به هدفی معین سازمان یابد، سیاست پدید می‌آید؛ یعنی سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف است. هر جهان اجتماعی، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به آرمان‌ها و ارزش‌های خود دست یابد. مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

با توجه به جدول زیر مقاومت منفی، فعالیت رقابت آمیز اصلاحی و انقلاب اجتماعی را با یکدیگر مقایسه کنید.

نمونه تاریخی	ویژگی	فعالیت اجتماعی - سیاسی
تدوین رساله‌های جهادیه	همکاری با حاکم نامشروع در حد واجبات نظامیه	مقاومت منفی
جنبش تنباکو	اصلاح رفتار حاکمان یا ساختار حکومت	فعالیت رقابت آمیز اصلاحی
جنبش عدالتخانه، انقلاب مشروطه	تغییر ساختار سیاسی	انقلاب اجتماعی

انقلاب اسلامی

رهبران دینی بعد از شکست در مشروطه، از موضع فعالیت رقابت آمیز به موضع مقاومت منفی بازگشتند. این موضع در مرجعیت شیعه تا شروع انقلاب اسلامی ادامه یافت. انقلاب اسلامی ایران چگونه به وجود آمد و چه تفاوتی با انقلاب مشروطه داشت؟

بیش از هفتاد سال از انقلاب مشروطه و نیم قرن از حاکمیت پهلوی گذشته بود که انقلاب اسلامی ایران رخ داد. امام خمینی علیه السلام انقلاب را هنگامی آغاز کرد که شاه در حاشیه دولت‌های غربی در جایگاهی امن قرار گرفته بود و مأموریت حفظ امنیت منطقه را به عهده داشت. روشنفکران چپ نیز از صحنه رقابت‌های سیاسی داخلی کشور حذف شده بودند.



■ دیدار ارتشبد طوفانیان معاون وزیر جنگ حکومت پهلوی با موشه‌دایان وزیر دفاع اسرائیل جهت همکاری مشترک نظامی



■ حزب توده از سازمان یافته‌ترین گروه‌های سیاسی چپ و مخالف شاه بود که با سرکوب گسترده از سوی حکومت پهلوی روبه رو شد.

امام خمینی به‌عنوان یک مرجع دینی، مردم و عالمان را از موضع مقاومت منفی به فعالیت رقابت‌آمیز بازگرداند. این فعالیت رقابت‌آمیز، گرچه با اعتراض به کاپیتولاسیون و رفتار استعماری شاه آغاز شد، ولی در حد یک حرکت اصلاحی رفتار یا ساختار متوقف نشد و به‌صورت یک حرکت انقلابی درآمد که حذف شاهنشاهی و تحقق حکومت اسلامی را دنبال می‌کرد.

حاکمیت آرمانی دینی، در اندیشه اجتماعی و سیاسی شیعی، حاکمیت الهی است که به‌وسیله پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام تحقق پیدا می‌کند و در زمان غیبت امام زمان عجل‌الله‌فرجه اجرای روشمند احکام الهی، وظیفه کسانی می‌شود که هم آگاه و عالم به احکام و شرایط اجرای احکام باشند و هم به آگاهی خود عامل باشند.

مشکل عدالتخانه این بود که رفتار عادلانه را بر کسانی تحمیل می‌کرد که با معیارهای الهی به قدرت نرسیده بودند. آنها قدرت را با شمشیر قوم و عشیره یا با حمایت دولت‌های استعمارگر به‌دست آورده بودند، عالم به عدالت نبوده و عمل به عدالت نیز به قدر کافی در شخصیت آنها نهادینه نشده بود. به همین دلیل، مشروطه در شرایطی که برقراری حاکمیت آرمانی ممکن به نظر نمی‌رسید، در مقایسه با نظام استبدادی ترجیح داده شد.

انقلاب اسلامی ایران، بازگشت مردم ایران به حرکت ناتمامی بود که در مشروطه آغاز کرده بودند. این بازگشت با هزینه نزدیک به صدسال تجربه تاریخی انجام می‌شد؛ تجربه رقابت با منورالفکران غرب‌گرا، استبداد استعماری و روشنفکرانی که در حاشیه بلوک شرق و غرب عمل می‌کردند.

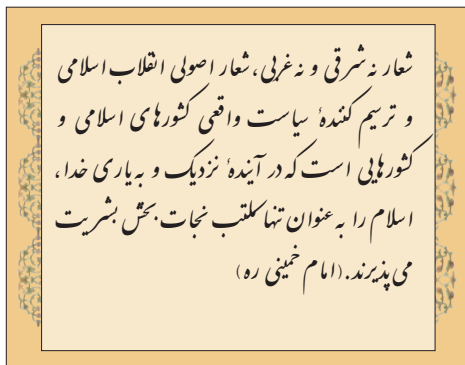
گفت‌وگو کنید

درباره شباهت‌ها و تفاوت‌های انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران گفت‌وگو کنید

مقایسه انقلاب اسلامی و انقلاب‌های آزادی‌بخش

قرن بیستم را قرن انقلاب‌های آزادی‌بخش می‌دانند و انقلاب اسلامی، آخرین انقلاب قرن بیستم است. در این قرن انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش در بسیاری از کشورهای جهان سوم در افریقا، آسیای جنوب شرقی و امریکای لاتین شکل گرفتند. انقلاب اسلامی ایران با این انقلاب‌های آزادی‌بخش چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد؟

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم، همگی جهت‌گیری ضداستعماری داشتند. انقلاب‌های آزادی‌بخش در جهت از بین بردن سلطهٔ سیاسی کشورهای غربی عمل می‌کردند و انقلاب ایران نیز به دنبال تغییر یک نظام سیاسی وابسته به دولت‌های غربی بود.



اما انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های آزادی‌بخش این قرن تفاوت‌هایی دارد:

- انقلاب‌های آزادی‌بخش در جهان دو قطبی قرن بیستم، اغلب در مقابل بلوک غرب شکل می‌گرفتند و مورد حمایت بلوک شرق واقع می‌شدند. ولی انقلاب اسلامی ایران در رویارویی با رژیم شاه به بلوک شرق وابستگی نداشت و از آغاز، جهت‌گیری ضد امریکایی و ضد صهیونیستی را در کنار موضع‌گیری ضد مارکسیستی خود اعلان کرد. شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» ناظر به همین مسئله بود.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش، اغلب با جنبش‌های چریکی گروه‌ها و احزاب مختلف شکل می‌گرفتند. برخی از نیروهای چپ در جامعهٔ ایران نیز با الگو گرفتن از جنبش‌های آزادی‌بخش به دنبال حرکت‌های چریکی بودند. شاه توانست همهٔ این حرکت‌ها را سرکوب کند اما انقلاب اسلامی ایران با حرکت یک گروه و حزب خاص پدید نیامد بلکه یک انقلاب فراگیر مردمی بود که از عمق روابط مردم با مرجعیت و رهبری دینی پدید آمد و همهٔ اقشار و گروه‌های جامعه را در بر گرفت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در چارچوب نظریه‌ها و مکاتبی شکل می‌گرفتند که برای حل مسائل و بحران‌های جهان غرب به‌وجود آمده بودند و از نوع نظریه‌های چپ بودند ولی انقلاب اسلامی ایران از آموزه‌های اسلامی بهره می‌برد و تعلق به فلسفه‌ها و مکاتب سیاسی غرب نداشت.
- انقلاب‌های آزادی‌بخش در مقابله با استعمار قدیم و حذف کارگزاران مستقیم غرب موفق می‌شدند ولی در قطع وابستگی اقتصادی و فرهنگی توفیقی نداشتند و از فردای پیروزی، استعمار با دست کارگزاران این انقلاب‌ها، در چهرهٔ استعمار نو باز می‌گشت. این انقلاب‌ها نتوانستند جایگاه کشورشان را از حاشیهٔ قطب‌های سیاسی و اقتصادی جهان خارج کنند اما انقلاب اسلامی

ایران تنها یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت. این انقلاب، قطب‌بندی سیاسی شرق و غرب را پشت سر گذاشت، یک قطب‌بندی جدید فرهنگی و تمدنی را به وجود آورد و خود در کانون قطب فرهنگی جهان اسلام قرار گرفت.



بیندیشید

برای یک شباهت و چهار تفاوت انقلاب اسلامی ایران و انقلاب‌های آزادی‌بخش، پنج عنوان مناسب انتخاب کنید.

ببینیم و بدانیم

برای شناخت بیشتر جنبش‌های آزادی‌بخش که در قرن بیستم در کشورهای جهان سوم رخ دادند، مستند "ناگفته‌های تاریخ آمریکا" را ببینید.

خلاصه کنید

—انقلاب اسلامی ایران، تنها یک انقلاب سیاسی نبود بلکه هویتی فرهنگی و تمدنی داشت.

مفاهیم اساسی

انقلاب اسلامی ایران،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



درس پانزدهم افق بیداری اسلامی

خانهٔ دوست کجاست؟ در فلق بود که پرسید سوار

آسمان مکتی کرد

رهگذر شاخهٔ نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت نرسیده به درخت کوچه باغی است

می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ سر به در می‌آرد

در صمیمیت سیال فضا خش‌خشی می‌شنوی

کودکی می‌بینی رفته از کاج بلندی بالا جوجه بردارد از لانهٔ نور

و از او می‌پرسی خانهٔ دوست کجاست؟

(سهراب سپهری)

اینکه گفته‌اند هر چیز که در جستن آنی، آنی؛ یعنی ارزش هر فرد، گروه، جریان، جنبش، انقلاب و جامعه‌ای را بلندای همت او و آنچه از زندگی می‌خواهد معلوم می‌کند. از افق بیداری اسلامی چه دورنمایی، برای بشریت دست‌یافتنی می‌شود؟ بی‌شک بیداری اسلامی، تغییر موقعیت ملت‌ها و کشورهای پیرامونی، در نظام جهانی سلطه را اوج همت خویش نمی‌بیند، تنها آرمان بشر را صلحی که بی‌توجه به عدالت است، نمی‌پندارد؛ بیداری اسلامی از افق جهان متجدد به عالم نمی‌نگرد تا در تنگنای جهان سکولار و چالش‌ها و بحران‌های ذاتی آن متوقف گردد؛ بیداری اسلامی، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفهٔ خود می‌داند؛ نوع بشر را مخاطب خود قرار

می‌دهد و حل مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را در محدودهٔ رسالت خود می‌بیند.
دستاوردهای بیداری اسلامی چیست؟ غرب برای مقابله با بیداری اسلامی چه اقداماتی انجام داده است؟
انقلاب اسلامی ایران بر جریان بیداری اسلامی چه تأثیراتی داشته است؟

نخستین انقلاب

برخی دانشمندان علوم اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را نخستین انقلابی می‌دانند که پس از انقلاب فرانسه در سطح جهانی اتفاق افتاده است. این گفته به چه معناست؟ چرا چنین تعبیری از انقلاب اسلامی ایران می‌شود؟

در جهان دو قطبی قرن بیستم، هویت جنبش‌ها، انقلاب‌ها و کشورها براساس نسبتی که با یکی از دو قطب جهان؛ یعنی بلوک شرق و غرب داشتند، شناسایی می‌شد. جایگاه جنبش‌ها و انقلاب‌ها و میزان اهمیت آنها براساس دوری و نزدیکی به یکی از این دو قطب مشخص می‌گردید. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران از آن جهت که یک نظام سیاسی وابسته به بلوک غرب را هدف قرار داده بود، اهمیت می‌یافت اما چون به بلوک شرق وابسته نبود، از اهمیت آن کاسته می‌شد. اگر انقلاب اسلامی به بلوک شرق و جریان‌های چپ نظر می‌داشت، مانعی را که امریکا در مرزهای جنوبی شوروی با حمایت از نظام سیاسی وابستهٔ پهلوی، ایجاد کرده بود، فرو می‌ریخت و فرصت جدیدی برای شوروی پدید می‌آورد. از نظر دولتمردان امریکا، انقلاب اسلامی به دلیل اینکه ارتباطی با بلوک شرق برقرار نمی‌کرد، توان مقاومت نداشت، نمی‌توانست تداوم یابد و دیر یا زود، بار دیگر، دست نیاز به سوی بلوک غرب دراز می‌کرد. دولتمردان غربی با این نگاه به انقلاب اسلامی ایران، ابتدا از عمق حادثه‌ای که اتفاق می‌افتاد، غافل بودند. آنها انقلاب را با موازین فرهنگ غرب می‌سنجیدند حال آنکه انقلاب اسلامی ایران از متن فرهنگی دیگر برمی‌خاست. انقلاب اسلامی ایران، انقلابی نبود که در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های سکولار جهان غرب تعریف شده باشد؛ بلکه انقلابی بود که از متن فرهنگ اسلامی و برای حفظ هویت اسلامی و تأمین حقوق از دست رفتهٔ امت اسلامی شکل می‌گرفت. بر این اساس، انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که بعد از انقلاب فرانسه اتفاق می‌افتاد زیرا هیچ یک از انقلاب‌ها پس از انقلاب فرانسه، یک انقلاب جدید نبودند بلکه همه در جهت بسط و گسترش انقلاب فرانسه بودند.



■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است.

انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹م با آرمان‌ها و ارزش‌های مدرنی شکل گرفت که پس از رنسانس به وجود آمده بودند. این انقلاب ابتدا در خاستگاه خود، فرانسه، گرفتار مشکل شد اما به‌زودی به‌صورت سلسله انقلاب‌های ۱۸۳۰م و ۱۸۴۸م حیاتی مجدد یافت و همه کشورهای اروپایی را فراگرفت.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م روسیه نیز، گرچه با دیگر انقلاب‌های اروپایی به‌دلیل رویکرد چپ و سوسیالیستی تفاوت داشت ولی به‌دلیل خصلت سکولار خود، درون فرهنگ غرب قرار می‌گرفت. دیگر انقلاب‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش قرن بیستم^۱ نیز، تقلیدی بدلی از انقلاب‌های مدرن بودند. فرهنگ‌هایی که در دوره استعمار، مقهور و مرعوب جوامع غربی شده بودند، چالش‌های خود را از نگاه نظریه‌پردازان غربی تفسیر می‌کردند و راه حل آن چالش‌ها را نیز در پیوستن به جوامع غربی می‌دیدند.

اما انقلاب اسلامی ایران، الگوی رفتاری خود را از فقه اجتماعی و سیاسی شیعی گرفت و متناسب با آن عمل کرد. این انقلاب از منظر دینی و فرهنگی به شناخت بحران‌ها و چالش‌های جهان اسلام پرداخت و با بازگشت به هویت اسلامی، فرصت جدیدی را برای جهان غرب، جهت عبور از بحران‌های معرفتی و معنوی آن پدید آورد.

گفت‌وگو کنید

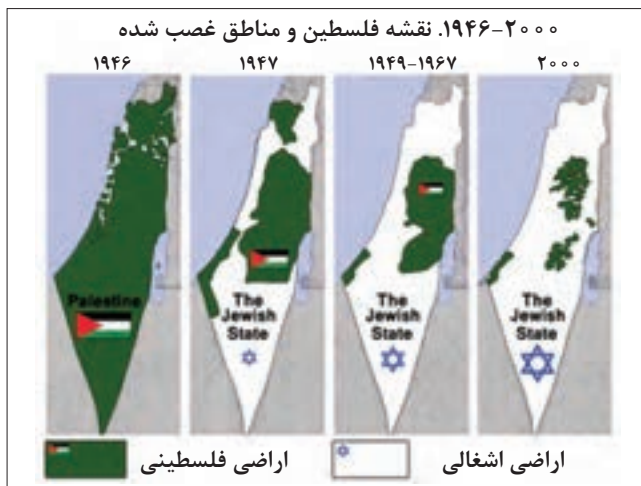
به نظر شما مهم‌ترین شباهت و تفاوت انقلاب فرانسه با انقلاب اسلامی ایران چیست؟

۱- مانند جنبش‌ها و انقلاب‌های ۱۹۲۱م مراکش، ۱۹۳۰م لیبی، ۱۹۴۱م لبنان، ۱۹۴۴م سوریه، ۱۹۴۷م پاکستان و ۱۹۴۸م چین.

تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر جهان اسلام

دولتمردان و روشنفکران جهان اسلام قبل از انقلاب اسلامی ایران، اغلب مسائل و مشکلات جوامع خود و جهان اسلام را با یکی از دو رویکرد زیر می‌دیدند؛ در رویکرد اول، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که در اثر عقب‌ماندگی تاریخی از جوامع غربی پیش آمده بود. در رویکرد دوم، مسائل جهان اسلام از نوع مشکلاتی بود که لیبرالیسم غربی به وجود آورده بود. کسانی که این رویکرد را داشتند، از موضع اندیشه‌های مارکسیستی و سوسیالیستی به مبارزه با غرب سیاسی می‌پرداختند. وقوع انقلاب اسلامی، افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. انقلاب اسلامی چه تأثیراتی بر جهان اسلام داشته و مهم‌ترین تأثیر آن کدام است؟

تا پیش از انقلاب اسلامی، هر یک از ده‌ها کشور بزرگ و کوچک مسلمان با گرایش به یکی از دو رویکرد گفته شده، در حاشیه بلوک شرق یا غرب قرار می‌گرفتند و چگونگی برخوردشان با مسائل مهم جهان اسلام از جمله مسئله فلسطین، تحت تأثیر قطب‌بندی مزبور بود. برخی کشورهایی که زیر نفوذ بلوک غرب بودند، دولت غاصب اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند و با در جهت سازش با آن گام برمی‌داشتند و برخی دیگر که زیر نفوذ بلوک شرق بودند، جبهه پایداری و مقاومت را تشکیل می‌دادند. گروه‌های مبارز فلسطینی ناگزیر به بخش اخیر ملحق می‌شدند. برخی از این گروه‌های فلسطینی هویت مارکسیستی و بعضی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند. گروه‌های مارکسیستی با هویت الحادی خود، جایگاهی برای اعتقادات دینی و معنوی قائل نبودند و گروه‌های ناسیونالیستی، اسلام را به‌عنوان پدیده‌ای عربی می‌پذیرفتند.



فلسطین یکی از عرصه‌های تقابل بلوک شرق و غرب شده بود. دولت اسرائیل با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی امریکا و کشورهای اروپایی وابسته به بلوک غرب تجهیز می‌شد و جبههٔ مقابل با سلاح‌های روسی می‌جنگید.

بعد از مرگ جمال عبدالناصر، در زمان انور سادات، دولت مصر که تا پیش از آن مظهر ناسیونالیسم عربی بود در قرارداد کمپ دیوید، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این مسئله موقعیت گروه‌های فلسطینی را تضعیف کرد.

انقلاب اسلامی ایران، الگوی نوینی را در برابر امت اسلامی قرار داد و افق جدیدی را به روی جهان اسلام گشود. اهمیت انقلاب تنها در این نبود که مهم‌ترین قدرت حامی اسرائیل در منطقه یعنی شاه را ساقط کرده بود، بلکه در راهکاری بود که برای مبارزه با صهیونیسم ارائه می‌داد.



■ راهپیمایی روز قدس در کشورهای مختلف اسلامی

انقلاب اسلامی با بازگشت به اسلام و اتکا به فقه سیاسی و اجتماعی شیعی، مسئلهٔ اسرائیل را به عنوان مسئلهٔ جهان اسلام مطرح می‌کرد. بازگشت به اسلام، اولاً مشروعیت قرارداد کمپ دیوید را در باور مسلمانان، مخدوش کرد؛ ثانیاً مقاومت در برابر صهیونیسم را از موضع اعتقاد اسلامی و با تکیه بر ایمان به خداوند و قدرت الهی آغاز کرد.

از میان برداشته شدن انور سادات توسط اسلام خواهان مصر و شکل‌گیری انتفاضه و جنبش‌های جدید اسلامی در فلسطین، جهاد اسلامی افغانستان در برابر حکومت وابسته به بلوک شرق، تشکیل جبههٔ نجات اسلامی در الجزایر و پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ۱۹۹۰م این کشور، نمونه‌هایی از حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام است که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایجاد شد.



مهم‌ترین پیامد انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام، سلسله جنبش‌ها و انقلاب‌های گسترده مردم در کشورهای عربی از سال ۱۳۸۹ ه.ش است که تاکنون به سقوط قدرت‌های سیاسی در چهار کشور عربی منجر شده است. وقوع این انقلاب‌ها، سه دهه بعد از انقلاب اسلامی ایران نظیر همان وقایعی است که چهار دهه پس از انقلاب فرانسه در کشورهای اروپایی رخ داد. دولت‌های غربی تلاش کردند تا این انقلاب‌ها را بخشی از فرایند غربی شدن کشورهای عربی معرفی کنند و آن را بهار عربی نامیدند. اما این انقلاب‌ها حکایت از بیداری اسلامی دارند. به همین دلیل غرب برای انحراف این انقلاب‌ها با تمام توان خود وارد عمل شده است. نخستین بیدارگران در جهان اسلام، اندیشمندان و عالمانی بودند که برای حفظ استقلال و عزت جهان اسلام به دنبال اصلاح رفتار حاکمان جوامع اسلامی بودند اما امروزه بیداری اسلامی، حاصل انتقال بیداری از سطح نخبگان به متن مردم و فرهنگ عمومی جهان اسلام است. انقلاب اسلامی ایران از طریق بیداری اسلامی، الگوی جدیدی را در برابر امت اسلامی قرار داده است. اگر بیداری اسلامی در جوامع اسلامی تحقق پیدا کند، این جوامع به سوی نظامی حرکت خواهند کرد که فارغ از قدرت‌های قومی و قبیله‌ای بر مدار فقاقت و عدالت، سازمان می‌یابند. امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود، تشکیل یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل را برای آینده کشورهای مسلمان ترسیم می‌کند.



■ امروز مهم‌ترین نیاز جهان اسلام، اتحاد و انسجام اسلامی است.

بخوانیم و بدانیم

امام خمینی علیه السلام در وصیت‌نامهٔ سیاسی - الهی خود خطاب به همهٔ مسلمانان و مستضعفان جهان می‌نویسد:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان به پا خیزید و حق را با جنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپردهٔ آنان نترسید و حکام جنایت‌کار که دسترنج شما را به دشمنان شما و دشمنان اسلام عزیز تسلیم می‌کنند را از کشور خود برانید.

خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همهٔ مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همهٔ مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند.

به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ تفاوت حرکت اجتماعی نخستین بیدارگران اسلامی با حرکت‌های اخیر بیداری اسلامی گفت‌وگو کنید.

مصطفیان اسلامی و متفکرانی که در یکصد و پنجاه سال گذشته قیام کرده و پرچم دعوت اسلامی و احیای تفکر اسلامی را بردوش گرفتند - از قبیل سید جمال الدین، محمد اقبال و دیگران - با هم خدمات ارزمند و کران سایشان، هکلی این نقض بزرگ را در کار خود داشتند که بجای برپا کردن یک انقلاب اسلامی، بیک دعوت اسلامی اتقا کردند و اصلاح جوامع مسلمان را زبا قوت و قدرت انقلاب، که با تلاش روشنگران و فقط با ابزار قلم و زبان جستجو کردند. این شیوه، البته مدوح و مأجور بوده و هست. اما مرکز از آن، توقع مندجی همچون نیت عمل پیامبران اولوالعزم را - که سازندگان مقاطع اصلی تاریخ بوده اند - نباید داشت.



جغرافیای فرهنگی جهان جدید

دنیای دو قطبی قرن بیستم چگونه فرو ریخت و جغرافیای فرهنگی و سیاسی جهان جدید چگونه به وجود آمد؟ قطب‌های اصلی این جهان کدام‌اند؟

انقلاب اسلامی با آنکه در ایران رخ داد و از ذخایر معرفتی شیعی استفاده کرد، آرمان‌ها، ارزش‌ها و مسئولیت و رسالت خود را به حلّ چالش‌های جامعه ایران یا شیعیان جهان محدود نکرد. انقلاب براساس آموزه‌های اسلامی، از عزت و اقتدار جهان اسلام پاسداری می‌کرد، دفاع از محرومان و مستضعفان جهان را وظیفه خود می‌دانست، فطرت الهی همه انسان‌ها را مخاطب پیام خود قرار می‌داد و حلّ مشکلات معرفتی و معنوی بشریت را رسالت خود می‌دید. امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای که برای گورباچوف - آخرین صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی - نوشت، با استفاده از حکمت مشاء و اشراق به اشکالاتی اشاره کرد که در محدود کردن دانش و علم به شناخت حسی یا شناخت عقلی وجود دارد. ایشان ضمن پیش‌بینی فروپاشی بلوک شرق، از آنان خواست تا برای عبور از همه بحران‌ها، به سوی آموزه‌های اسلام گام بردارند و بدین منظور نخبگان خود را برای فراگیری حکمت و علوم اسلامی به ایران بفرستند.



■ برپایی نماز جماعت و مراسم مذهبی و چاپ قرآن با الفبای سیرلیک در کشورهای پسا شوروی یادآور پیام امام به گورباچف است که با مادی‌گرایی نمی‌توان بشریت را از بحران به‌در آورد.

انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌ها و ارزش‌هایی که داشت، حضور و تأثیرات جهانی خود را فراتر از مرزهای جهان اسلام نشان داد. بحران‌های عمیق معرفتی و معنوی جهان غرب و چالش‌های مربوط به آن با انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی فرصت بروز و ظهور یافتند. این انقلاب که مستقل از ارزش‌ها و آرمان‌های جهان غرب شکل گرفت، شاهدهی گویا برای حضور تاریخ‌ساز فرهنگ‌های غیر غربی بود. انقلاب اسلامی در شکل‌گیری یا گسترش اندیشه‌های پسامدرن به‌وجود آمدن، رویکرد دینی و معنوی به زندگی اجتماعی در جوامع غربی از دست رفتن اعتبار، ارزش‌ها و آرمان‌های بعد از رنسانس، و شکل‌گیری نظریه‌های ناظر به افول سکولاریسم مؤثر بود.

انقلاب اسلامی ایران راه نوینی را فراروی کشورهای جهان سوم قرار داد. این مسیر جدید، موقعیت استوار دو قطب سیاسی قرن بیستم را درهم ریخت و قطب‌بندی جدیدی را به جهان تحمیل کرد. جهان غرب پس از پی‌بردن به عمق حادثه و توان تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، سلسله اقدامات مستمری را در مقابله با آن انجام داده و مقاومت ایران اسلامی در برابر هریک از آن اقدامات، موقعیت جدیدی را برای جهان اسلام پدید آورده است.

کودتای نوژه و هشت سال جنگ تحمیلی از نخستین تلاش‌هایی بود که برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران انجام شد.



■ اعتراف رسانه‌های غربی به کمک تسلیحاتی غرب به عراق

■ ارسال نیروی نظامی از سوی سایر کشورها به عراق برای تقویت جبهه عراق علیه ایران؛ وجود بیش از ۲۰۰ نظامی غیرعراقی در میان اسرای عراقی

جنگ ایران و عراق با همه جنگ‌های قرن بیستم متفاوت بود. در این جنگ، تمامی کشورهای بلوک شرق و غرب، علیه ایران متحد شدند. تسلیحات روسی، امریکایی، فرانسوی، آلمانی و... و دلارهای نفتی کشورهای عربی در خدمت ارتشی قرار گرفته بود که آغازگر جنگ بود. این در حالی بود که ایران برای تهیه ابتدایی‌ترین تجهیزات از جمله سیم خاردار، تحریم شده بود.



■ سردشت، دومین شهر قربانی جنگ‌افزارهای شیمیایی در جهان پس از هیروشیما

مقاومت انقلاب اسلامی ایران در دهه نخست، موقعیت بلوک شرق را به عنوان تنها رقیب بلوک غرب متزلزل ساخت و موقعیت جهان اسلام را به عنوان یک قطب فرهنگی تثبیت کرد. کشورهای غربی در نخستین نظریه‌پردازی‌های خود به دنبال آن بودند تا فروپاشی بلوک شرق را به شکل‌گیری نظم نوین جهانی بر مدار یک قطب واحد معنا کنند. نظریه پایان تاریخ فوکویاما^۱ همین معنا را القای کرد. اما موفقیت انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای جهانی آن بر این نظریه خط بطلان کشید.

اذعان به حضور فرهنگی و تمدنی جهان اسلام از سوی برخی نظریه‌پردازان غربی، با عنوان جنگ تمدن‌ها مطرح شد. این نظریه ضمن اعتراف به شکل‌گیری قطب‌بندی جدید فرهنگی تمدنی، اولاً با طرح دیگر تمدن‌ها در عرض تمدن اسلامی، جایگاه برجسته و منحصر به فرد انقلاب و فرهنگ اسلامی را نادیده می‌گرفت؛ ثانیاً با طرح جنگ تمدن‌ها، رویکرد خصمانه جهان غرب را به جنبش‌های اسلامی، توجیه می‌کرد و از این طریق، هراسی را که پس از جنگ جهانی دوم، نسبت به بلوک شرق وجود داشت، متوجه جهان اسلام می‌گرداند.

اقتصاد و سیاست جهان غرب در شرایط فعلی که ابعاد جهانی پیدا کرده نیازمند مناطق پیرامونی است. انباشت ثروت جهان در دست جمعی اندک، جز با فقر و وابستگی اقتصادی و سیاسی انبوه آدمیان ممکن نیست. دنیای غرب، صرف‌نظر از بحران‌های معرفتی و معنوی خود، برای تأمین نیازهای اقتصادی و سیاسی ناگزیر از مقابله با حرکت مستقلی است که در

۱- او فروپاشی بلوک شرق و شوروی سابق و غلبه نظام لیبرال دموکراسی غرب را پایان مبارزات عقیدتی - سیاسی بشر می‌پندارد و نظام لیبرال دموکراسی را محصول نهایی تاریخ بشر می‌داند که برای آن جایگزین بهتر و مناسب‌تری قابل تصور نیست.

- جهان اسلام شکل گرفته است و به این منظور فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد:
- مقابله نظامی و سیاسی از طریق حضور مستقیم؛ مانند آنچه در افغانستان و عراق رخ داده است.



■ نظامیان امریکایی در عراق و افغانستان

- محاصره و تحریم اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی مانند آنچه نسبت به ایران انجام می‌شود.
- تبلیغ معنویت‌های کاذب و سکولار در کشورهای غربی برای اشباع خلأ معنوی فرهنگ غرب.
- تصویرسازی خشن و غیرعقلانی از فرهنگ اسلامی از طریق سازماندهی و شکل‌دهی جریان‌های تروریستی وهابی.
- تفسیرهای سکولار از اسلام و حمایت از اسلام امریکایی در مقابل انقلاب اسلامی.
- مدیریت جنگ رسانه‌ای همه‌جانبه در برابر حرکت فرهنگی جهان اسلام.
- ایجاد اختلافات فرقه‌ای و مذهبی برای تضعیف جهان اسلام.



■ اسلام‌هراسی در غرب



■ استقبال آی‌یک از تصویب تحریم‌های ضدایرانی در سنای امریکا

تأمل کنید

به نظر شما جهان اسلام در برابر محدودیت‌هایی که جهان غرب ایجاد می‌کند چه فرصت‌هایی دارد؟ درباره فرصت‌ها و محدودیت‌های پیش روی جریان بیداری اسلامی تأمل کنید.



منابع

- آربلاستر، آنتونی (۱۳۸۸) ظهور و افول لیبرالیسم غرب. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- اسپنگلر، اسوالد (۱۳۶۹) انحطاط غرب. ترجمه هوشنگ ایرانی. نشریه فلسفه، کلام و عرفان. شماره ۳
- افروغ، عماد (۱۳۹۳) اسلام و جهانی شدن. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
- افروغ، عماد (۱۳۸۱) رنسانسی دیگر. تهران: انتشارات کتاب آشنا.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷) ما و جهانی شدن. تهران: انتشارات سوره مهر.
- امین، سمیر (۱۳۸۹) اروپامداری. ترجمه موسی عنبری. تهران: نشر علم.
- امین، سمیر (۱۳۸۲) سرمایه داری در عصر جهانی شدن. ترجمه ناصر زرافشان. تهران: نشر آگه.
- امینی، علیرضا (۱۳۹۱) بررسی فرصت‌ها و چالش‌های ایجاد وحدت در سایه بیداری اسلامی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- برگر، پیتر و توماس لاکمن (۱۳۸۰) افول سکولاریسم. ترجمه افشار امیری. تهران: مؤسسه نشر پنگان.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: انتشارات کتاب فردا.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۹) حدیث پیمان‌ه. قم: دفتر نشر معارف.
- پارسانیا، حمید (۱۳۸۱) هفت موج اصلاحات. تهران: انتشارات فر اندیش.
- پرتو، امین (۱۳۹۱) موانع تحقق بیداری اسلامی از دیدگاه امام خمینی. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.

- ترنر، برایان (۱۳۸۴) رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی، پست مدرنیسم و جهانی شدن. ترجمه محمدعلی محمدی. تهران: شرکت نشر یادآوران.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲) فرهنگ در عصر جهانی شدن. مجموعه مقالات. تهران: انتشارات روزنه.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۱) جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی — سیاسی ایران. تهران: نشر مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) اسلام و محیط‌زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵) فلسفه حقوق بشر. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸) ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
- چامسکی، نوام (۱۳۸۷) نظم‌های کهنه و نوین جهانی. ترجمه مهبد ایرانی طلب. تهران: نشر نی.
- حسینی بهشتی، سید محمدرضا (۱۳۷۹) فرانسیس بیکن و بحران طبیعت. فصل‌نامه فلسفه. شماره ۱
- حنفی، حسن (۱۳۸۹) علم غرب‌شناسی چیست. ترجمه جنان سید عبدالمناف الحلو. قم: نشر ادیان
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸) صحیفه امام، جلد ۲۱. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۳) درباره غرب. انتشارات هرمس.
- رابرت، مارک و همکاران (۱۳۸۴) جهانی‌سازی، چالش‌ها و راهکارها. ترجمه سید هادی عربی و همکاران. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- رینولدز، چارلز (۱۳۸۶) وجوه امپریالیسم. ترجمه سید حسن سیف زاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ژبژک، اسلاوی (۱۳۹۳) نقد باورهای مغرب زمین. ترجمه کیوان آذری. اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- سو، آلوین (۱۳۹۴) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سعید، ادوارد (۱۳۸۲) فرهنگ و امپریالیسم. تهران: نشر توس.
- شولت، جان آرت (۱۳۸۶) نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کچوئیان، حسین (۱۳۹۱) انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ. تهران: انتشارات سوره مهر.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۷) نظریه‌های جهانی شدن و دین. تهران: نشر نی.
- کوزر، لوئیس آلفرد (۱۳۹۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- کهن، لارنس (۱۳۸۸) متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست مدرنیسم. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۹۲) جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- گنجی ارجنگی، عبدالله (۱۳۸۸) موج سوم بیداری اسلامی. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- گنون، رنه (۱۳۸۸) بحران دنیای متجدد. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی و کارون بردسال (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴) علل گرایش به مادیگری. تهران: انتشارات صدرا.

- نجفی، موسی (۱۳۹۱) نظریه بیداری اسلامی بر اساس اندیشه سیاسی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. تهران: نشر نهضت نرم‌افزاری.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۲) انسان و طبیعت. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- واعظی، حسن (۱۳۸۱) استراتژی سلطه. تهران: انتشارات سروش.
- واعظی، حسن (۱۳۸۸) استعمار فرانو، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هانتیگتون، ساموئل (۱۳۸۰) تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی. ترجمه مینو احمد سرتیپ. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۰) جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر ثالث.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری درس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

کتاب جامعه شناسی ۲ - کد ۱۱۱۲۲۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	نسرین عزیزبان	کردستان	۱۹	عزیزاله علی زاده	گیلان
۲	صدیقه خلیلی بروجنی	البرز	۲۰	بیژن کار دوست	همدان
۳	بهروز نوروزی	آذربایجان شرقی	۲۱	سهیلا دباغی	همدان
۴	زهرا دانش پژوه	مرکزی	۲۲	صغری یعقوب زاده	خراسان جنوبی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۳	حسن مومنی	ایلام
۶	طاهره شیخ زهدی	کرمان	۲۴	ژاله فاضلی	کرمانشاه
۷	غلامعلی مرادی	خراسان جنوبی	۲۵	احمد قنبری	مرکزی
۸	ایرج ابراهیمی	زنجان	۲۶	سجاد پناه پور	کهگیلویه و بویراحمد
۹	سولماز فیض الله زاده	البرز	۲۷	صمصام مهدی پور	خوزستان
۱۰	حسین عبادالهی	هرمزگان	۲۸	نسرین حسنی	اردبیل
۱۱	صفدر اسماعیلی فارسانی	چهارمحال و بختیاری	۲۹	شعبان ولی زاده	ایلام
۱۲	محمد حسین کاوه یزدی	یزد	۳۰	معصومه احمدی	بوشهر
۱۳	نیره قاضی مومن	سمنان	۳۱	زینب محمدی	خراسان شمالی
۱۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۳۲	سلیمان نسترن بلداجی	چهارمحال و بختیاری
۱۵	محبوبه پورشفیعی	کرمان	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۶	خدیجه رضایی	تهران (شهرستان‌ها)	۳۴	ایمان رضاییان	مازندران
۱۷	رحیمه شقاقی	زنجان	۳۵	فرشته کاظمی	شهر تهران
۱۸	ابراهیم حسنی	فارس	۳۶	شمس الدین کریمی	شهرستان‌های تهران

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند
نظر اصلاحی خود را درباره مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.
دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری